

# حقیقت

۱۳۵۸ مهر

شماره ۳۹

... کرجی سیاسی یکی از عناصر فعال مصلحین کرمانشاه بود  
 با عمر ۱۱ سال خانداش بیرون می‌گشتند و ساعت ۲ صبح او را اعدام می‌نما-  
 بند. ۹ نفر از فعالین اتحادیه دهقانی مریوان و شیرزیوان را دستگیر  
 و بران محاکمات بگاسته محکوم به اعدام می‌نمایند. دو نفر از این  
 افراد را دست و پا بسته به دست‌چندین از عناصر فاسق محلی می‌سازند  
 و این عناصر با جاقور دستگیر آلات قتاله بران آنکه جنم ایستادگی  
 را از کاسه خارج می‌کنند، دست و پای آنها را قطع کرده و بالاخره بران  
 بدندان جدا می‌کنند... در سفر حتی یک نفر از اعدام شدگان بر نجد  
 ۱۲ ساله است و دوبرادر کدیکی در خانیکه سرادرمجروح خویش را حمل می-  
 کرده شیراران شده و هردوبرادر درجنین وضعیت فحشی بدرجده شهادت  
 رسیده‌اند... خلغالی حاشی در جواب اعتراض مردم در مورد کشتار بیگنا-  
 هان، تکیه کلامش این بود که "اگر اعدام شدگان کبک‌اراستد کدرایشان  
 ایست و در صورتیکه بیگناه باشند به سبب خواهند رفت."  
 ... در حساسترین زمان، درزمانیکه شرایط برای بوجود آمدن یک  
 جنبش دهقانی در منطقه دیواندره سفرکاملاً آماده گردیده بود رخانیای  
 برتجع متحمل نکستیهای سنگینی شده بودند. سیاه باسداران و ارتش‌ساری  
 ارتجاع شرافت و نه‌تنها انقلاب از پیروی خود بازایستاد بلکه با انحلال  
 و تالیف‌بندی اتحادیه‌های دهقانی و اعدام و توقیف عناصر فعال این اتحادیه  
 ها بنا بپودی دستاوردهای انقلاب برداخته.

... از ادیب‌ها و نیروهای مومن به انقلاب ایران، اگر واقف  
 به اصل شورایی بای بندهد، باید از شوراهای موجود دهقانی و کسرتی  
 آنچه سده‌ها براسر کشور دفاع کنند و گرم‌ار غدا انقلابی و توطئه‌گرانند  
 زه مداران و درپستاپیش‌آنها گروه استعداد طلب و شروعه جی حاکم را  
 در راه نابودی این شوراها افساء و محکوم سازند...  
 ... شوراهای شیرستانی، ... باسد توراها ی نمایندگان طبقات  
 و قشرهای مختلف شیرستان، یعنی کارگران صنایع، زمینکنان حرف، دهقان-  
 نان، بیست و ران و دکانداران، سربازان و ارتشیان، کارمندان، بازر-  
 گان و صاحبکاران کوچک و متوسط باشند و هرکدام از اینان بدست  
 حمایت خود در شورا یا انجمن شیرستان دارای نمایندگی باشند. این شوراها  
 نمیتوانند و نباید نمایندگان طبقات ارتجائی سرمایه‌دار باشند، ملا-  
 کان و عمال حکومتی و رژیم سابق و مانند آنها را... بخود راه دهند...

## به کوری چشم مرتجعین:

# کردستان میرزمد

بالاخره پس از چندین ماه  
 تحمل سوزنیهای متعدد، کارهای  
 تبلیغاتی عوامفریبا نه‌وسرا با دروغ  
 و اعمال ضد انقلابی رنگارنگ، در ۲۸  
 مرداد ۱۳۵۸، حیات خاکه پورش همد  
 خانه خویش را برای ترکوب خلق کرد  
 آغاز کرد. در طول چندین ماه پس از  
 تیا مپنم ماه، که ملت و منجمله خلق  
 کردخوش با ورا نه‌تصور مگر ده‌حکومت  
 فنی حقوق حقه‌نا برآورد خواهد  
 کنسرد، نیروهای مشروعه-  
 جی و لبرالهای در قدرت بهر حیل و  
 وسیله‌ای متشبت گردیدند تا حقوق خلق  
 کردرا، که در عمل بخانه پرچمدار  
 ادا مده انقلاب دموکراتیک و فدا مبر  
 بالستی خلقهای ایران درآمده بود  
 با یغال کرده و این آتش روزان انقلاب  
 را خاموش سازند.  
 نوطشه‌ها از همان فردای انقلاب  
 آغاز گشت. جنگهای تحمیلی در گوشه  
 و کنار کردستان بر ادا نداشت می‌شود تا  
 تسلط ارتش، کمیته‌های اسلامی،  
 ژاندارمری و سپاه پاسداران را توجه  
 کنند. سنج، بقده، مریوان و...  
 یکی پس از دیگری بدست نیروهای در  
 قدرت واده‌سباری مرتجعین محلی  
 بکام جنگ و خویشی فرو می‌روند.  
 "قیاده موقت"، این دارودسته  
 شمد در سنج ۲

# شورا: کانون اعمال حائز اهمیت طبقات انقلابی

در گذشت شا دروان آبت الله  
 طالقانی جرنه‌ای شده که با آتش  
 اشتیاق مردم را برای تشکیل شوراها  
 روشن ساخت. آخرین و مهم‌ترین وقت  
 طالقانی انا راه‌ا و سه ضرورت تشکیل  
 شوراها بعنوان شکل مناسب شرکت  
 اهالی در تعیین سرنوشت خود و  
 مابقی در برابر مابلات استبدادی  
 و بی‌انسانی در دستگا دولتی بود.  
 امروز نیروهای دیگر اشتیک کشور هر  
 کدام با تعبیر خاص خود وجود خود  
 میدنی که در مورد وظایف شورا و نحوه  
 تشکیل آن قائل اندازنده کلی  
 شورا دفاع میکنند، حتی دسته‌های  
 لیسرال بورژوازی ملی نیز که نگران  
 شما بملات استبداد دستا نه‌گروهی از  
 روحانیون و شخص حسینی هستند  
 نسبا به این نظر هم‌شده‌ها این اند  
 شده‌تو، فق کلی نشان میدهند.

... ولایت فقیه هم سرفی است و هم عربی، سنتی محظ ترین  
 سلطورات حکومتی استبدادی کلیسا در غرب و شرق  
 های مذهبی در شرق...  
 ... روحانیون در کارخانه‌ها استعمار نمودند، آنها  
 در روستاها بیکاری نمودند، آنها بیست که چو-  
 کنای تولید و حیات کشور را با خون و سرقان مسجر-  
 حاسند. حکومت از آن کسی است که بسرا از همه بار انقلاب  
 و کشور را بر دوش می‌کشد و این کسی زمینکنان اند و آنها لایق تر  
 از هر فقیه و بجهت‌بندی هستند.

# "ولایت فقیه" یا خلافت بورژوا - فئودالها

۵۵ رای از این مجلس گذشت.  
 گروه مشروعه‌چی زیر لایوای  
 "شوع" و "حکومت شوع" همد چپرو همد  
 کس را تابع منافع قشری خود و طبقات  
 مرفه‌ها مع‌گردانیده و در راهی کسام  
 نباده‌گویی را با ارتجاع و امیربا -

"مجلس خیرکان" علیرغم کثا-  
 کث‌های موجود در درون آن، کسه  
 اشتکالی از جدال میان جریانات  
 بورژوازی ملی و لیسرال و کسروه  
 اسعما رطلب مشروعه‌چی است. در  
 انحرا راین دومی بوده و کام‌بده‌گام  
 یک سیرتینراشی و بدفرجاسی را  
 بیسیما بدو همه دستاوردهای نیجست

اسم همروال بسازد و راه‌رای  
 با زکشت دیگتا توری می‌کشد.  
 ولایت فقیه "نگل مذهبی  
 همان حکومت استبدادی و سلطنتی  
 است که پیش از هرکس با طبع زمین-  
 داران بزرگ و همدستان آن‌ها در  
 بقید در سنج ۳

# حقیقت

شورا ...

انجمنهای دیکراتیک استانی، شهرستانی و ناحیه‌ای، انقلابی - هفتاد و نه سال در روستاها می‌باشد. شورا یا انجمن کانونی برای اعمال حاکمیت، مستقیم یا با واسطه انقلابی جامعه بوده و در شرایط خاص برپا می‌گردد و تکامل دهنده دستاوردهای انقلاب مردم باشد. در اینجا به بررسی سه دسته شوراها در سطح ده، شهرستان و استان می‌پردازیم.

شوراها روستا یا روستاها یا روستای بنندگان دهقانان روستاها یا روستاهای مختلف اهالی روستا یعنی کارگران کشاورزی، بزرگان زارعان، جوانان، دکاتنداران، اهل حرفه و صنعت و غیره را در بر می‌گیرد و هر قشر و صنف به نسبت جمعیت خود نماینده خود را در شورای روستا داشته باشد. در شوراها فتوایلیها و زمینداران بزرگ و ربا خواران و غیره حق شرکت نمی‌توانند داشته باشند و اولین وظیفه شورا همان حذف مالکیت بزرگ ارضی و مستثنای نیمه فتوایلی و ربا خوار و غیره در روستا و انجام یک اصلاحات ارضی ریشه‌ای است. هم‌اکنون این گونه شوراها در روستای و همچنین شوراها مرکزی مناطق دهستانی، که شوراها در دهات مختلف یک منطقه دهستانی (مثلاً یک بخش) را در بر می‌گیرد، در برخی از روستاها و مناطقی روستای کشور، مانند برخی مناطق شمالی، ترکمن صحرا و غیره، در نتیجه اقدام خود انگیخته دهقانان و جنبش انقلابی آنان علیه مالکان ربا خواران، عمال رژیم سابق و غیره تشکیل شده است. همین وضع در کردستان نیز موجود بود و جریان تشکیل شوراها در دهقانی و اتحادیه‌های در برگیرنده شوراها در مناطق مختلف روستایی با سرعت و وسعت بیش‌تر می‌رفت، ولی این شوراها و اتحادیه‌ها هم‌اکنون بدست مهاجمان دولت مرکزی یا دستور خمینی و با هم‌راهی دستجات فتوادل و وابسته‌ها بیگانه‌دوگر، استان سرکوب نشود و رهبران این شوراها و اتحادیه‌ها سزاگشته و بعضاً متواری گشتند.

دستنی باطنی زما مداران کنونی را شامل شورای حاکمیت مردم و شرکت‌نوده مردم و دیگرگون سازی و نوسازی جامعه خود، با تمام ادعاهای توخالی

و ظاهراً زیبایشان را شریروها در بیان از این اصل، از همین یک مورد مهم کردستان بخوبی میتوان اندازه گرفت.

اخیراً دولت اعلام داشت طرح خود را در مورد تشکیل شوراها در سطح شهرآغاز و خوار کرد و فعلاً تا مدتی تشکیل شوراها در سطح دهات و شهرستان (یعنی شهرودها تا به) با مشکلاتی روبرو است. البته دولت با همین این مشکلات را ذکر نکرد ولی واقعیت آن چیزی که از دیدگاه زما مداران کنونی مشکلات نامیده شد، برای ما روشن است. یکی از دلایل اصلی و شاید مهم دلیل مخالفت زما مداران کنونی با آغاز کار تشکیل شوراها از سطح روستاها و بدست کسم انجام هم‌زمان این کار در سطح شهری و ده، مخالفت ایشان با شوراها و اتحادیه‌های انقلابی دهقانی موجود در برخی دهات کشور است. دولت که نماینده سرمایه داران و حامی ملاکان است میدانده که اگر فعلاً پای این کار رود تا چرخه اهدیود این شوراها را، که زیبا شین و توسط خود دهقانان تشکیل شده و محصول جنبش انقلابی خودشان است، برسمیت شناخته شود. مقامات روحانی قم نیز که زمینهای زیادای بنام موقوفه بر اساس بهره‌کشی از دهقانان در دست دارند از شوراها و دهقانی و اصلاحات ارضی بدست آنها بیم دارند چه موقوفات آنها را به خطر می‌اندازد. مقامات قم و تهران از اصلاحات ارضی ریشه‌ای در روستاها و معادله زمینهای غصبی ملاکان نیمه فتوادل و زمینداران بزرگ سرمایه دار بدست شوراها و واقعی نمایندگان دهقانان هراس دارند. آنچه زما مداران ما بعنوان مشکلات تشکیل شوراها در دهات طرح میکنند همین هاست و چیز دیگری نتوانند باشد.

آزادخواهان و نیروهای مؤمن به انقلاب ایران، اگر واقعا به اصل شورائی پای بندند، باید از شوراها موجود در دهقانی و گسترش آنها به دهات سرا سر کشور دفاع کنند و کردار ضد انقلابی و توطئه‌گرانه زما مداران و در پیشا پیش آنها گروه استبداد طلب و مشروعیتی حاکم را در راه ناسازی این شوراها افشای و محکوم سازند. آنها شئی که شوراها و اتحادیه‌های دهقانی را در کردستان برچینند و به کشتار دهقانان برداختند دشمنان اصل شورائی اند و در این باره هر چه اعلام هوا داری کنند دروغ و تیرنگ است. بازورگویان و طرفداران دیکتاتوری غری و وابستگان تاروانان لالائی، "استبداد دزبیر

برده‌دین"، نمیتوان بای شسورا رفت. واقعیت موجود بروشی عیار ظاهراً زیبا زما مداران کنونی را در باره شوراها، و نیز عیار مؤمن بودن ایشان را به وصیظ لالائی در مورد ضرورت اجرای اصل شورائی در سطح کشور، فاش می‌سازد و نشان میدهد که توده‌های مردم و بیوزده کارگران و دهقانان ما باید در راه ایجاد شوراها و دمکراتیک واقعی در روستاها و شهرستانها و غیره چشم امید به سلالا نداشته خود مستقلان اقدام کنند و با استکبار به وحدت خود به عملی ساختن این اصل برخیزند.

شوراها شهرستانی، که در طرح دولت بمنتظر حذف دهقانان دهات تا به شهرها به شوراها (یعنی بدون بخشها و دهات تا به) تقلیل یافته، باید شوراها را نمایندگان طبقات و قشرهای مختلف شهرستان، یعنی کارگران صنایع، زحمتکشان حرفه‌دهقانان، پیشه‌وران و دکاتنداران، سرمایه‌زنان و ارتشیان، کارمندان، بازرگانان و صاحبکاران کوچک و متوسط باشند و هر کدام از ایشان به نسبت جمعیت خود در شورا نمایانند. انجمن شهرستان دارای نماینده باشند. روشن است این شوراها نمی‌توانند و نباید نمایندگان طبقات از جناحی سرمایه داران و اصلاحات و عمال حکومتی رژیم سابق و مانند آنها را، که دشمنان انقلاب ما هستند و باید بدست توده مردم از حیات اقتصادی و سیاسی جامعه سرنگون و حذف شوند، بخورد و آهند. شوراها شهرستانی و وظیفه دارند بر اساس اصول دمکراتیک و ضامیریالستی انقلاب ایران به اصلاحات انقلابی دست زده و بعنوان کانونی برای نگینائی و تکامل دستاوردهای انقلاب عمل کنند. با تشکیل این شوراها، کمیته‌های معروف به "امام" یا "انقلاب اسلامی" نیز باید برچیده شده و وظایف آنان و مورنظا می مربوط به آنها بدست این شوراها، که برگزیده مردم هستند، سپرده شود. این کمیته‌ها که زبالا درست شده و در رهبری آنها افراد نامالجه و گاه دیگر مرتجع و ضد توده‌ای قرار گرفتند، مدتهاست از مسیر انقلاب و مردم‌باک منحرف شده و به ماضی در برابر انقلاب شده‌اند.

شوراها استانی، که در مراکز استانها تشکیل می‌شوند، در واقع شوراها نمایندگان اهالی استان هستند و باید دارای اختیارات وسیعی در چرخه‌های یک نظام مستقر بر مرکزیت دمکراتیک برای اداره امور استان باشند. شوراها با انجمنهای نمایندگان خلق در استان، در مناطق

ملیت دشمن، یعنی در مناطقی که اکثریت اهالی آنها با مردم کرد، بلوچ و غیره بوده و در واقع این مناطق با بدستوران و احدهای کاملاً استانی نگریسته شوند، نقش مجالس ملی آن مناطق را ایفاء کرده و متناسب با ایفای این نقش باید دارای اختیارات مربوط به امور واحد ملیتی خود باشند. به عبارت دیگر در این مناطق، انجمنهای خودمختاری ملی، که تمام منطقه مسکونی خلقهای ملیتهای مختلف را بصورت یک واحد استانی کامل در می‌آورد، نقش شوراها یا انجمنهای استانی را نیز در ارتباط با حکومت مرکزی و مجلس شورای سرانگشوری ایفاء میکنند.

فان اجرائی، توفیق مردم ایران در پیاده کردن اصل شورائی در کشور اتحادیه‌ها را دیدخواهان و شیروهای وفادار به انقلاب می‌باشد. به محفل و گروههایی که امروز در برده‌دین و شریعت سودای تحمیل یک دستگاه استبدادی جدید را در سر می‌پرورانند و چنانکه در ویدادهاست شوم کردستان نشان میدهد با دوسته‌های ارتشی علیه توده‌های طلب مردم توطئه میکنند و کشتار برپا می‌نمایند و بی‌برده‌ها جعل اخبار، تیرنگ و دروغ برمی‌خیزند، هیچ اعتسادی نیست. شوم کرد را این محافل دروغ گو و تیرنگ با زهدت طلب همین مجلس خیرگان گذاشتی است که با نمایندگان خود که اغلب جعلی بوده و تنها یک قشر معین روحانی و مثنی ملاک و سرمایه داران نمایندگی میکنند به تصویب قوانینی برای حذف کردن انقلاب ایران و ناسازی دستاوردهای آن و پایدیزی یک دستگاه استبدادی در برده‌دین و مذهب مشغول است. همین نمونه‌های نقاب از چهره‌های این هوا داران دروغین اصل شورائی و سپردن امور مردم بدست مردم برمی‌دارد. اجرای موفقانه اصل شورائی در ایران بدون مبارزه با این تیرنگ با زبان جاه طلب، که اعتقادات مذدهی مردم را برای رسیدن به کرسی و مقام و ثروت به بازی گرفته‌اند، غیر ممکن است. اصل شورائی حکومت مردم‌با کوشی مثنی مشروعیتی برای بی محتوا ساختن و ناسازی کردن رژیم جمهوری در ایران و احیاء سلطنت سرنگون شده در شکل شرعی خود، از ریشه تا قضا در دو مسارزه برای یکی به مبارزه علیه دیکتاتوری وابسته است.



"ولایت فقیه" ...

میان بورژوازی بوده و مضمونی فئودالی و استبدادی دارد. "ولایت فقیه" مردم را موجوداتی ضعیف و نابلق می بیند و ادعا می کند که خود قادر نیستند در امور زندگی شان و همچنین امور سیاسی و اداری کشور، هدایت را از دست تشخیص دهند و باید کاملاً تسلیم میانه "فقها" آنها را "هدایت" نمایند و باید دست گیرند و هر جا که خود میخواهند بکشند.

در جوامع سرمایه داری و امپریالیستی رسم است که در باره دموکراسی و حقوق مردم زیاد حرف زده شود و طبقه مسلط برای این جوامع انتخابات ریاست جمهوری و مجلس را بعنوان بهترین نمونه دموکراسی بر خ بکشد. اما همه میدانیم که آنچه در این جوامع حکومت میکنند، نه رای مردم، بلکه رای سرمایه داران است و مردم فقط حق دارند که هر ۴ یا ۶ سال از میان سرمایه داران یکی را بعنوان رئیس جمهور یا نخست وزیر خود "انتخاب" نمایند. مردم آزاد نیستند، اما آزادیشان صرفاً در محدوده انتخاب از میان سرمایه داران است و طبقات محروم و زحمتکش حق ندارند از میان خودشان کسی را به رهبری جامعه انتخاب نمایند. "ولایت فقیه" از این هم بدتر است. اینجا نیز مردم ظاهرآ آزادند، اما این آزادی به هیچ کارشان نمی آید. زیرا رهبری جامعه در انحصار چند نفر "فقیه" بوده و اینان خودشان از میان خود یک نفر را بر میگزینند و اگر نشد مشترکاً بر جا همه حکم خواهند داد. "ولایت فقیه" کسی جز "فقیه" یا بهتر گفته باشیم بسک آیت الله العظمی لیاقت رهبری جامعه را ندارد و مردم حتی حق ندارند از میان همین چند نفر نیز یکی را به رهبری خود برگزینند. چه سرسد یا اینکه بخوانند فرد دیگری را انتخاب نمایند. بیگ کلام حکومت زحمتکش سیاسی در انحصار یک تشریفاتی و نابل و ناپسند و بیولند است و حرف هم ندارد. در جوامع امپریالیستی، قدرت سیاسی در انحصار سرمایه داران بزرگ است و این انحصار طبقه ای است و انگیخته از منافع طبقاتی و استعمارگران این گروه می باشد و در کشور ما این انحصار طبقه ای را برای نگینند

از تمام ایلات انحصار طلبانه شروع می کند. است که میخواهند با تجربه نام کام بهین کردن بساط "حکومت شرع" را تکرار نمایند و شلاق "شرع" را برگردانند. ملت بگویند، اما اگر فلان آیت الله چنین کاری را با انگیزه "حکومت خدا" انجام میدهد و توجیهش مینماید بدوسر مردم را گرم میکند، واقعیت آنکار به ناپذیرمبارزه و کناکش طبقاتی بسر مساله دیگری حکم میدهد و آن "اینکه در روی زمین همه چیز به طبقه تسی خورده و منافع طبقه یا طبقات معینی را برآورد میکند" و "ولایت فقیه" نیز از این قاعده عمومی مستثنی نیست. "ولایت فقیه" آزادی را از مردم میگیرد و آنان را از شرکت در تعیین سرشوات خویش محروم میسازد. مجلس و قوه قضا و قوه مجریه، در برابر "ولایت فقیه" هیچ ارزشی ندارند و است که با لایحه برای همه تصمیم میگیرد و اجرا میکند. آنچه در مجلس "خبرگان" و کمیسیون های آن گذشته به بهترین وجه این ادعا را ثابت میکند. بر مبنای مذاکرات و رای گیری های مجلس "خبرگستان" و کمیسیون های این مجلس جامعه ما با ایداز این به بعد بدین شکل اداره شود: در رای جامعه شخصی بنام "فقیه" ورهبر وجود دارد. در شرایط کنونی آیت الله خمینی) و در صورت فقدان چنین فردی، یک شورای بنام "شورای رهبری" متشکل از فقها جایگزین آن میشود. زیر این رهبری شورای رهبری، شورای نگهبان قرار دارد که آنهم صرفاً از فقها تشکیل شده است و بر کلیه امور مجلس و کشور نظارت داشته و حق مخالفت با هر اصولی را که بخواد دارد. زیر این شورای نگهبان رئیس جمهور قرار دارد و وزیر او مجلس شورا و سایر لایحه مردم، هم فقیه (یا شورای فقیه) و هم شورای نگهبان (که آنهم از فقهاست) می توانند در کلیه امور کشور دخالت کرده، تصمیمات مجلس و نمایندگان مردم را در نمایند و بر ارش، وزارت خانه ها و آموزش و پرورش مردم حکم میبرند. شورای رهبری را مجلس بنام خبرگان (مثل همیسن خبرگان فعلی) انتخاب مینماید. و شورای نگهبان را نیز شورای رهبری انتخاب میکند. یعنی در انتخاب عالیترین مراجع و مقامات کشوری، مردم هیچ حقی نداشته و روحانیون از میان خودشان هر که را بخوانند انتخاب می نمایند و بر رهبری جامعه می نمایند. در چنین جامعه ای مردم "آزادند" لکن آزادیشان از حد انتخاب است. مجلس شورا (که موازینش هنوز روشن نشده) بالاتر نمی رود و حتی اگر مرض

هم کنیم که در این زمینه آزادی کامل نیز برخوردار باشند و نمایندگان واقعی خود را انتخاب کنند، باز این نمایندگان در برابر شورای رهبری و شورای نگهبان که از میان روحانیون برگزیده میشوند، هیچ حق نداشته و در همه امور تابع آنها هستند. گذشته تصمیمات مجلس اگر به "توتیح طوکانه" نمی رسد یا قدا رزشی تمام نمی بود و حلال نیز تصمیمات مجلس چنانچه با طبع شورای رهبری و شورای نگهبان نباشد یا قسدا رزشی قانونیست و به هیچ دردمندی خورد. مجلس شورا و نمایندگان مردم هیچ کاره اند و روحانیون همه کاره ایست. مضمون واقعی ویی برده "ولایت فقیه" و "ولایت فقیه" هم غرضی است و هم غرضی منتهی محظ ترین تیلورات حکومت های استبدادی کلیسا در غرب و فرقه های مذهبی در شرق. آنها شیکه چنین طرحی را برای ملت ما به ارمغان آورده اند، به انقلاب و آزادی پشت کرده و منافع طبقات مزه و بویژه ملاکان و بورژوازی منحل به آنرا برآورد میکنند و همه آن چیزی که در باره "حکومت مردم" و "حکومت مستضعفین" میگویند جز یک دروغ بزرگ هیچ نیست. "ولایت فقیه" در تضاد و دشمنی آشکار با اصل شورا و حکومت مردم بر مردم بوده و زیر لوائ "حکومت خدا" حکومت یک اقلیت روحانی را بر مردم تحمیل میکند. آیت الله خمینی با سوء استفاده از اعتمادی که مردم ما به او دارند و او را روزگاری سمبل اتحاد خویش می بیند، شندیده منافع و خواسته های واقعی همیسن مردم پشت پا زده و راه را برای تسلط یک دیکتاتور عریان گسیخته همسوار مینماید و در مقابل انقلاب مینماید. مردم آزاد بخوانند ایران و بخصوص زحمتکشان به این "ولایت" پشت کرده و خواستار ولایت خودشان هستند. آنها برخلاف ادعای این روحانیت از خود را می بخوبی قضا در دنیا انتخاب میکنند و نمایندگان خودشان را در کشور اداره نمایند و آنرا بسود منافع خویش تغییر دهند. نیازی نیست به این قیام ندارند. روحانیون در کارخانه ها استثمار نمیشوند، آنها در روستا ها بیگاری نمیکشند، آنها نیستند که چرخ های تولید و حیات کشور را با خون و عرقشان میچرخانند. حکومت از آن کمی است که بیش از همه با انقلاب و کشور را بر دوش میکشند و این کمی زحمتکشان اند و آنها لایق تر از هر فقیه و محتجبندی هستند.

کردستان میرزد ارتجاعی و جاسوس که وابستگی اش به رژیم شاه مخلوع، سیا، ساوا و کومودا را شایع زبا نزد خاص و عام است، از طرف دولت بال و پیر میگرداند و ظرف چمران "مینمان ایران" لقب مییابد. به کمک این دارو دستخاشن، فئودال ها، خواشین و روسای مرتجع عشایر بر علیه جنبش دهقانی رشدیست متحد میگردند و دولت و ارتش "مسلحان" گردیده اتحادیه های فئودالی را مسلح میکنند و آنها را بر علیه خلق کرد می تازانند. رادیو و تلویزیون اسطوری و اشغال شده، شیخ ترین تهتها و دروغ پردها را بر علیه خلق کرد سراف میاندازد تا افکار عمومی را برای قلع و قمع انقلابیون و خلق کردها آماده سازد. آری! شیروهای مشروعی و لیسرال در قدرت که قصد و هدفشان سر مزدن بر انقلاب و دستبرد زدن به دستاوردهای انقلاب مردم بوده و میباید، از همان او ان توطئه چینی را در شما می زمینه ها و شما دبرای سرکوب خلق کردها کردند و آن را قدمه قدم به پیش بردند تا شرایط را برای یک بیورش انقلابی و همه جا شبهه آماده نمودند!

پاداران و ارتش بهسد از چندین ماه زمینه چینی و بعد از چند ماه نور تبلیغاتی که آخرین آن ظواهرات روزگاری بوده کردستان عزیز پرورش آوردند. ارتش و سیا با سادار اتمام شیروی خود را برای بیورش علیه خلق قهرمان کرد متمرکز نمود. شیروها از تهران، کرمانشاه، خرم آباد، اهواز، بوشهر، شیراز، همدان، منجیل، شیریز، رها شبه و مراغه گسیل گردیدند و در مقابل چنین حمله گسترده ای بغا طر پراکنده گی، شیروهای انقلابی و سیاست سازشکارانه رهبران حزب دیکرات مقاومت مختصری در بعضی از شهرها صورت گرفت و امروز میتوان گفت که با ساداران و ارتش بر شهرهای کردستان استیلا یافته اند. اما این تسلط مطلق نیست و گواهی آن مبارزه ایست که هر روز در شهرهای مختلف کردستان صورت گرفته و میگیرد. امروز

بقیه در صفحه ۴

جزئی از مبارزه برای ادا مان انقلاب و استقرار دموکراسی و آزادی و استقلال است و در شرایط کنونی جامعه، که مشروعی ها انقلاب را به قهران کشا نموده اند، جزئی مهم تعیین کننده آزادی ما در مساره است و همه مردم کارگروهان و دانشجو و سران و کسبه باید بر علیه آن بسیا خیزند و اجازت ندهند تا خون هزاران شهیدان انقلاب اینچنین با بیان شود.

# حقیقت

کردستان مرز

فعالیت با شرفهای تاریخ در کردستان در شهرها و روستاها منتشر شده و کردستان یکبارجه معترض به چنین حمله ارتجاعی و وحشیانه ایست که ۲۸ مرداد امسال شاهد آن بود. دارو دسته انحاز طلب مشروعه جی جهت جلوگیری از آگاه شدن شما نوده های مردم از واقعات و جهت عدم انتشار نظریات مخالفین، اقدام به تعطیل تشریح آینه گان و دیگر نشریات مترقی نمود و همچنین سازمانها و دستجات سیاسی مترقی را غیرسازشونی اعلام نمود و با منع جمعیات و دیگر قوا نین ضد مکرراتیک عملا حکومت نظامی اعلام کرد. در زمانیکه مردم کردستان خود را در مقابل یورش فاشیستی با ساداران و ارتش میدیدند، کارگران، روشنفکران، کارمندان، بازاریان و کسبه و حتی روحانیون مترقی ایران نیز خود را تحت فشار سنگین استبداد این دارو دسته ارتجاعی یافته و بحق نسبت به آن اعتراض مینمودند.

با ساداران و ارتش بر شرفهای کردستان با هزار توپ و کلک مسلط گردیدند. تعداد وسیعی از انقلابیون کارگران و دهقانان آگاه را درسیه دادگاههای اسلامی یکساعته محاکمه نموده اعدام کردند. تاکنون رفقای مبارز و سلحشور بسیاری را از کرمانشاه روانسر، پاوه، مریوان، سنندج، جز، بوکان، مهاباد، سردشت و بیران شهر در این بیدادگاههای فاشیستی محاکمه و اعدام نموده اند. خلغالی همه جا بدون دردست داشتن یک تحقیق و بررسی دست به جنایتی زده است که تاریخ نظیر آن را کم دیده است. خلغالی که روزی با بدقصاص خون اینهمه انقلابی را بسپارد، در اکثر موارد دستور دستگیری فعالین چنین را که از طرف جاسوسان، ساواکها و خودمروشان محلی قبلا تهیه شده بود، مبادا در فتنه های با دوساعت بی از دستگیری این افراد ارتجاعیان و با بدوضع فحیحی به درجه شهادت می رساند. گرجی بیانی یکی از عناصر فعال معلمین کرمانشاه بود، ساعت ۱۱ شب از خانه اش بیرون می کشد و ساعت ۲ صبح او را اعدام می نمایند. ۹ نفر از فعالین اتحادیه دهقانان مریوان و شیر مریوان را دستگیر و پس از محاکمات یکساعته محکوم به اعدام می نمایند، دو

نفر از این افراد را دست و پا بسته به دست چند نفر از عناصر فاشیست محلی میسپارند و این عناصر با چاقو و دیگر آلات قتل به بی از آنکه چشم ببندد و انقلابی را از گام خارج میکنند دست و پای آنها را قطع کرده و با لایحه سراز بدنشان جدا میکنند و اجساد ایندو عزیز انقلابی را در چنین وضعی به خاک نموده شان تحویل میدهند. در سقز حتی یک نفر از اعدام شدگان بمریبه ۱۲ ساله است و دو برادر که یکی در حالیکه برادر مرحوم خوش را حمل میکرده تیرباران شده و هر دو برادر در چنین وضعیت فجیعی بدرجه شهادت رسیدند. در سقز ارتجاع مشروعه جی ۹ نفر از ارتشیان مریوان، منجمه رشیدی پانگاز سقز را به همراه ۲۲ نفر دیگر که چند بازاری و کاسبکار نیز در میان آنان دیده میشوند اعدام نمود و با لایحه کارجات و شقاوت را بجای رساندند که همه مردم کردستان یکبارجه علیه این دارو دسته حاکم اعتراض نمودند. خلغالی جانی در جواب اعتراض مردم در مورد کشتار بیگناهان، تکیه کلامی این بود که " اگر اعدام شدگان گناه کار یا شنده گزایشان اینست و در صورتیکه بیگناهان یا شنده بهشت خواهند رفت "

در شهرهای گدارتشی و سنبا با ساداران ااداره مورشور را بدست گرفته اند و اکسها، خود فروشان محلی ( جاشیا )، خانها و مستغذین شریرو با راهزنان خود بیرون آمده و عرض اندام میکنند. در شهرهای پاوه، روانسر، سنندج، مریوان، کامیاران، بانه، سقز، نقده، بوکان، مهاباد، سردشت، و غیره جمعیت های دفاع از انقلاب و منافع خلق کرد که جمعیت های کاملاً مترقی و میهنی بودند منحل گردیده فعالین و اعضا آنها تحت تعقیب قرار گرفتند. اما از آنجا که ارتجاع از ختم و نفرت خلق کسب قدرت نسبت به خویش آگاه است، جاشیا در تمام موارد در محله خانه های فعالین جهت دستگیری آنان، نقاب به چهره زده و جرئت نداشت که آنکارا عرض اندام کنند. چون به خوبی میدانند که در صورت شناسایی مورد حمله قرار خواهند گرفت. علاوه بر آن حال جمعیتها که بخشی از نیروی سیاسی مترقی شهرها بودند اارو دست جا که دست به انحلال شوراها و شیرها زد که در میان آنها بجز شورای شهرها یا ندکتهما تحت نفوذ حزب دمکرات بود، بقیه تا اندازه ای مترقی و مردمی بود. مخصوصاً شورای شیر سنندج که شمره یکصد و در ماریات طولانی غلبه دارو دست شد متشکل از ده و نیا دت بش از سجدنسر

از بهترین فرزندان کردستان برچیان ماریات ۲۹ اسفند ۵۷ سنندج بود، که همزمان با نیمه کودتای که در شهر سنندج هورت گرفت و شهر به دست افراد مزدور مفتی زاده افتاد، منحل گردید. عمال نشان داده شده تمام قول و قرارهای آبت اله خمینی در مورد شوراها پیش از این نداشتند. نداد و جهت کارنا بودی نیادهای هموگرا تیک و بریا گشتن بساط دارو الخلفه ای استبدادی است و بدچیسز دیگر.

علاوه بر این کارکنان در تمام شهرهای کسب با ساداران استبداد ارتش وارد شده اند بلافاصله اقدام به تعطیل و بستن دروسیدگا های کارگری و کارگران بیگانه نموده و عیناً صرفاً مال این سندیکاها را دستگیر و با تحسنت تعقیب قرار داده اند. سرمایه داران از زمان ورود این سپاهها هم طرفدار خویش، قدرت بیشتری یافته و پشتیبانی بیشتری احساس میکنند و در نتیجه استشارکارگران ستم دیده و آگاه را تشدید کرده و به اذیت و آزار عوام ساز فعال میپردازند. اینست نمونه دیگری از زوردهای سپاه ساداریه کردستان.

در شهرها و روستاها نیز یورش وسیعی علیه اتحادیه های دهقانی کردستان آغاز گردیده و تاکنون رژیم حاکم اتحادیه های دهقانی منطقیه مریوان و ارومیا نایات و اتحادیه های دهقانی منطقه سقز را منحل نموده است از زده نفر از فعالین این اتحادیه های دهقانی را اعدام یا شید نمودند، خانه های چندین نفر از دهقانان پیشرو را تاراج نموده و به آتش کشیده اند. اتحادیه های دهقانی که از تجمع چندین شورای دهقانی تشکیل گردیده بود و مقول فتوایهای مرتجع مناطق مختلف " موی دماغ " آنها شده بودند و نمیکذاشتند آب راحت از گلی این مرتجعین یا شین برود، به خواست همین فتوایهای مرتجع تعطیل گردید و بدینصورت خیال آنها شیکه از قدرت سیاسی دهقانان و خوش نشینان ستم دیده در اطراف بودند آراش یافت. خانهای مرتجعی که روزی دست بدامان " قساده بوشینیا " شده بودند و زیر رهبری آنها " شورا های تثابیری " تشکیل میدادند تا بلکه بتوانند جلوی رشد ماریات حق طلبانه دهقانان را بگیرند از اینکه سپاه با ساداران و ارتش اسلامی به کمک آنها شناخته شود در پوست نمسکنند و در همه جا اغلب در لباس های نوئی که به تن کرده بودند برای دهقانان پیشو خط و نشان میکشیدند و شعارهای ارتجاعی

عی سر میدادند. در این دو منطقه یعنی مناطق مریوان و سقز که اتحادیه های دهقانی بدنیروئی جدی مسدل شده بودند، جاشیا در حالیکه نقاب به صورتشان زده اند، بخانه فعالین اتحادیه های دهقانی ریخته و اذیت خانوادها آنها بر داخته و در چند مورد بس از غارت اسباب و اثاثیه خانه ها بس دهقانان را بد آتش کشیده اند. سپاه با ساداران و ارتش اسلامی علیرغم ادعاهای دروغین شان مبتنی بر دفاع از منافع مستضعفین، هر کجا که قدمه گذاردند به پشتیبانی از مرتجعین و عناصر صریست و خود فروش پرداختند که یکی دیگر از نمونه های با رزآ نشین با نی سپاه با ساداران است از خانهای مرتجع منطقه را نشان. در جنگی که بین اتحادیه دهقانی منطقه سقز و خانهای مرتجع منطقه ایران نشاه و دیواندره در منطقه کرا فتور در گرفته بود، نیروهای انقلابی پس از دادن شهید و ۱۱ نفر دستگیری توانستند بالاخره شش تن از خانهای مرتجع، منجمه علی اشرف خان، راکشته و امولان نیروهای مهاجم خانهای مرتجع و مزدوران نشان را به عقب نشینی وادار سازند. اما در حالیکه این مرتجعین در حال فرار بودند نیروهای با ساداران و ردمر که گردیدند و با در اختیار داشتن کلیه مکانات هوایی و زمینی جنگی در کناره فتوایهای مرتجع قرار گرفتند و از آنها پشتیبانی نمودند. و کار بجایی رسید که دهقانان نیز نیروهای انقلابی راهی بجز عقب نشینی در مقابل خویش نیافتند. در ایسن جنگ حدود ۴ تا ۵ نفر از با ساداران اسیر شدند. این با ساداران اکثر از زحمتگشان بودند و قریب عوام فریبی های دارو دسته مرتجع مشروعه طلب که خواستار بازگشت ارتجاع در یونش اسلامی هستند، را خورده بودند. اکثر افراد را می نمودند که قبل از حرکت از تکاب به آنها گفته شده بود که آنها به پشتیبانی از دهقانانی که مورد یورش فتوایها قرار گرفتند نخواهند رفت ولی عمال آنها را به پشتیبانی از خانهای مرتجعی نظیر نیروزخان برده بودند. وقتی این با ساداران اسیر از واقعات آگاه میشدند میگریستند و میگفتند که " ما را کول زده اند. " به این صورت بود که در حاسن ترین زمان، در زمانی که شرا بط برای بوجود آمدن یک جنبش دهقانی در منطقه دیواندره سفر کا ملا آمد که در بدو خود خانهای مرتجع متحمل گشت های سنگینی شده بودند سپاه با ساداران و ارتش بیاری ارتجاع شتافت و نند در متحد

# حقیقت

کردستان میرید

تنها انقلاب را از پیشروی خودساز دست بکند. با انحلال ونا سودی اتحادیه های دهقانی و اعدا مقیمب عنا مرتضی این اتحادیه ها به ناسودی دستا وردهای انقلاب پرداخت. حال برکارگران، دهقانان و دیگر توده های مردم سا برنقاط ایران است تا قضاوت کنند که این سیاه واقعا با ساداران انقلاب هستند یا ساداران ارتجاع و ضدانقلاب، که دهقانان ستم دیده و زجر کشیده، انقلابی هستند یا ضدانقلاب.

پس از چند ماهه تدارک پنهانی برای سرکوب انقلاب در کردستان، بالاخره زمان فرا میرسد. آیندگان و دیگر شریکات تعطیل میگردد. ستیگاها، سازمانها و احزاب منحل اعلام گردیده و پس از برگزاری دو نطق هرات وحدت و قدس حمله به کردستان آغاز میگردد و کاری که قرار بود پس از پایان کار مجلس خیرگان صورت گیرد به جلو انداخته میشود. آیت الله خمینی ریاست کل ارتش را بعهده میگیرند فرمان خدا انقلابی خودش را جهت حمله به کردستان صادر می نماید. تحسنتا نیز عوام فریبی های دارودسته مشروعه طلب و آینه گاه ایران از جانب امپریالیسم و صهیونیسم و مشخصا از جانب پانلیزیان در خطر است جوانان ما را به ناسپا با تدارکان ارتجاع درمی آورند و راهی کردستان نمی نمایند. اما برای سرکوب انقلاب و نه سرکوب امپریالیسم، صهیونیسم و پانلیزیان و قیاده موقت، خلق کرده دفاع از خود میبندد از دوبا نشان رجون بهترین فرزندان خود با نشان رجون کارگران دهقانان، روشنگران، کسبه، ارتشیان انقلابی و انقلابیون را نشین نظیر رفیق فواد ممظنی سلطان سی در مقابل این یورش ارتجاع دفاع می برد از د. خلق سرا یا خموشنرت علیه دستگاه پشیمان ارتجاع و ضدانقلاب میگردد و خون شهدا و توهین دارودسته ارتجاعی مشروعه طلب نسبت به مقدساتشان و رهبر مذهبی و شخصیت برجسته سیاسی شان شیخ عزالدین حسینی، عزمان را را با سخر می نماید و آنچه است تا بسته یک خلق ما زویش و سوسورت میگیرد، کردستان از جنوسی ترین نقطه تا شمالی ترین نقطه اش از شرق تا غرض میل به میدان ما رزه

میگردد. مبارزهای علیه دارودسته ارتجاعی که هدفش چیزی جز نابودی دستا وردهای انقلابی که بیش از ۶۰ هزار شهید داد، نیست. مبارزهای برای جلوگیری از استیلا کامل مهاجمین ضد انقلابی بر کردستان و سر تا سر ایران.

حال که مختصری درباره آنچه اخیرا در کردستان اتفاق افتاده گفتیم لازمست ببینیم که اصولا سیاست هیئت حاکمه در مورد کردستان چه بوده و اصولا آیا در این سیاست تغییریانی پدیدار گردیده یا خیر؟

هیئت حاکمه از همان ابتدا از سیاست سرکوب انقلاب در کردستان بعنوان بخش مهمی از برنامه سرکوب انقلاب، تا سر ایران پیروی میکرده است. ددیوای که هیئت حاکمه شب عبیدر جریان جنگ سندیج به سردم کردستان داد و وفا یعنی که بعدا در بقده و دیگر شهرها اتفاق افتادگویی آن است که دارودسته مشروعه طلب از همان ابتدا در صدد توطئه چینی و نقشه کشی علیه خلق گردیده است.

در دوره اول، هیئت حاکمه سعی در این داشت که به ارتش و نیروهای آنها چمدولیتی یک نقش درجه دوم و یا ضلح حافظ امنیت بدهد. ابتدا قرار بود اساتذت و تشکیلات قیاده موقت که کتور دسترو استگی اش با صیبه پالیسم آمریکا و صهیونیسم زبان زهر پیروجوانی است و تشکیلاتی ارتجائی فتودانی "اتحادیه های عشایری اسلامی" بعنوان چماقی برای سرکوب جنس خلق در شهرها و روستاها استفاده میشود. افراد مزدور و ترور قیاده مونت نظیرا پرس و مسعود با رزانی مرتضی با مقامات بالای دولتی و عنا صرورای انقلابی را س بودند و کارها از آنها بیخبرانه میبندد. در ابتدای کار تشکیلات قیاده موقت که با هزار روبک بندید سازمان جاسوسی سیا، ساواک و میواد اسرائیل مربوط بود تقریب میگردد و دست آنها برای سرکوب انقلابیون و توده های مردم آگاه با زنده میشد. اللهه های را که شاه خاشن از آنها پس گرفته بوده آنها پس میدهند و با پول آنها را سیر کرده آنها را میدگرد. ستار میبندند. مذا اتحادیه های عشایری اسلامی " که توسط خانیای مرتجع تشکیل گردیده بود ملحه نژوان و پول ارسال میگردد. و همچنین بعنوان یک برتا بهیا حزب دیکسرات کردستان که یک تشکیلات سازشکارانه و وابسته به بیگانهاست مذا گوانسی مرتسا در جریان بودند از سازشکاری این حزب نیز برای سرکوب جنس

انقلابی و نابودی دستا وردهای انقلاب استفاده نماید.

اما این توطئه ها در مقابل آگاهی سیاسی و عزم خلق کرد در پیشروی انقلاب موثر واقع نگردید. قیاده موقت و تشکیلاتیای منفور " اتحادیه های عشایری اسلامی " سرعت و وسعا افشا گردیدند و سازشکاران و ریبای حزب دمکرات، معابل دولت نتوانست تعیین کنند که در دو این با این رهبر ان این حزب وابسته به بیگانها بودند که مجبور شدند برای از دست ندادن همان اعتبار مختصری که در میان توده های سازشکار و عنا مرتضی نزل داشتند برای بدست آوردن موقعیت بهتری برای سازش با هیئت حاکمه، بندشاله روی از توده و خشن نمودن توطئه های هیئت حاکمه نظیر مصلح کردن آنها برای حمله به دهقانان، پرداخت توطئه های دیگر دارودسته مشروعه طلب نظیر برگزاری کنفرانس سندیج که هدفش تضعیف موقعیت مذهبی و سیاسی شیخ عزالدین حسینی و بیشتر مشکل نمودن عنا مرتجع تحت رهبری مفتخر ادب بود، نیز تا شکست روبرو گردید. به تنها این توطئه های خائنه و ضدانقلابی با شکست روبرو گردید، بلکه در کردستان آگاهی سیاسی کارگران، دهقانان، روشنگران و توده های مردم نیز به استقلال یافت. اتحادیه های دهقانی، سندیکا های کارگری و جمعیتها در شهرها سرعت روبرو گشتن نیا ددوم با رزات توده های خلق ارتجاع را محصور به عقب نشینی های بزرگ می نموده بعنوان مثال دهقانان کرستان قندمهای همی در را بطد با ناسبودی تسلط خانیای مرتجع برداشته و شرایط جهت بر جود آمدن یک جنبش دهقانی از هر جهت میباید.

در جنبش شراپتی بود که توطئه های که قرار بود علیه خلق کرد کاری بیافتد، بی معرف از کسار در آمدوست اندر کاران دیدند که دیگس نشینوانند با حفظ ماسک خیرخواهی و حافظ امنیت بودن جنبش خلق قهرمان کرد را سرکوب نمایند. لذا ماسک از چهره برداشتند و با تمام نیرو و وسعا با ساداران و ارتش را به کردستان گسیل داشتند. ایسا رجنین عوام فریبی نمودند که به جنگ امپریالیسم و صهیونیسم و پانلیزیان میرویم، در صورتیکه حمله شان با ما علیه جنس انقلابی خلق بود. و در این رابطه قیاده موقت را به " حفاظت " مرزها و داشتند.

حزب دمکرات کردستان که از همان ابتدا سیاست دو جانبه خود نداشتی و سازش را پیش گرفته بود

و رد جنبش انقلابی در مناطق وسیعی از کردستان مثلا مرپوان، سندیج و سقزیا به های خود را اساسا از دست داد و در مناطقی بخاطر استفا ده از روابا، عشیرتی - فتودالی به حفظ نفوذ خود پرداخت علاوه بر ایسا امکاناتی که در اخلع سلاح کردن بعضی با دکلها ویا سگا هیا بدست آورده بود، به این حزب امکان داد تا بتواند توده وسیع تری را زیر پرچم سازشکارانه خویش بد آورد. اما قاطعیت خلق برای بد دست آوردن حقوق طبقاتی و ملی خویش، به رهبران این حزب که قبلا همین اواخر، حتی پس از سقوط آنها با دافکر سازش با دارودسته مشروعه طلب بیرون نیا فده بود، اجازه نداد که موضع بیطرف اتخا دهند. حقیقت مسئله اینست که در دفاع از بساوه، سندیج، سقز، ایرانشا و مرپوان حزب دمکرات بهیچ وجه نقش قاطع توجیحی نداشته است. دفاع از شهر میا با دکرهبری حزب دمکرات آنرا بعهده گرفته بود و مرتسا به توده مردم وعده وعیدهای قلابی میداد، منجمله غنی بلوریا که یک روز قبل از سقوط گفته بود " میا با داستا لیستگرا داستا نشان داد که این حزب هنوز هم در آن زمان در فکر سازش با حکومت مرکزی بوده و بزرگ جلوه دادن حزب چیزی جز تزیب توده ها نبوده است. ایسن میالفه در بزرگ جلوه دادن امکانات حزب در مورد جنگ پیرا نشهر و سردهشت نیز نمونه دیگری است از دروغ و غیروای های این حزب سازشکار و وابسته شوروی.

خمش و نفرت بی پایانی که خلق قهرمان کرد نسبت به دارودسته حاکم احساس میکنند بی پایانی است و به همین دلیل حال که نیروهای ارتجاع در نقاط مختلف کردستان برآکنده و مستقر گردیده اند هر روز و هر شب در هر منطقه، فرسای از جانب خلق برای نواخته میگردد. دارودسته حاکم قصد دارد با کسپل با ساداران و ارتش و سرکوب انقلاب با لافره همان روابط تسلط عقب مانده قلمی را احیا نموده، خانیای و عنا مرتجع را برزندگی و مال مردم مسلط گردانیده شورا های ده را بکلی نابود و نیروهای ژاندارمی و شهرپانی و ارتش را غلبه خواست خلق کرد سرجان و مال و ناموس آنان مسلط بگرداند. جواب خلق قهرمان کرد در مقابل این همه حق کشی و زورگویی چیزی جز مبارزه نیست. شهرها و روستا های کردستان اجبارا و اردیک جنگ داخلی شده اند و این جنگ تا اخراج با ساداران و ارتش از شهرها

# حقیقت

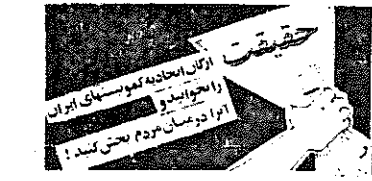
کردستان میرزمد وروستاها وپرداختن بدخاظست از مرزها و عدم خالصت در انبساط خلی، تا خراج پاسداران از شهرها وروستا های کردستان، تا برقراری مجدد شورا های واقعی و توده های در شهرها و دهات سپردن ادارها، مورشهرها و دهات بدست این شوراها، تا زمان محاکمه و مجازات مسبین واقعی این جنگ تجار و کارخانه و کشتا بر مردم بی گناه و انقلابیون راستین، و بالاخره اگرگفتن قدرت از دست این داور دسته حصار طلب و مشروع دچی و بیبردن آن بدست نیروهای واقعا انقلابی و مردمی ادا می دارد.

اخبار چند گروه و سازمان مسلمان انقلابی دست به ایجاد تشکیلاتی بنام "پیشمرگه های زحمتکشان" زده اند که میگویند با گسترش فعالیت های خود تظلم کا ملا مستقلا از حزب دمکراترا ایجاد کرده و با اتحاد با همه نیروهای واقعا انقلابی و خلقی در جهت آگاه و متشکل نمودن و هدایت مبارزات سیاسی و مسلحانه خلق کرد فعالیت نموده و نفوذ عوامل بیگانه را از صفوف جنبش بزداپسند و جنبش خلق کردستان را با مجموعه جنبش دموکراتیک و ضدا میر- یا لیستی خلقهای ایران بیوند دهند. "پیشمرگه های زحمتکشان" از آنجا که شکیه به درستی معتقدند خلق کرد تحت بدترین فشار و رول و ظلم طبقاتی ملی و مذهبی در مجموعه جنبش ایران هستند و لذا پیشروترین جنبش توده ای در شرایط کنونی را ناما بندگی میکنند از همه انقلابیون و مردم میطلبند تا حد ممکن اولاد را بین مبارزات شرکت نماید و بنا بر این در خراج از کردستان به انشاء گری دارودسته انصار و طلب و مشروع دچی و سیاستهای تهاجمی و تبلیغاتی زهر آگین آنها علیه کردستان بپردازند. جنایات و اقدامات ارتجاعی و ضدا انقلابی که در کردستان صورت گرفت بیشتر از هر چیز اذیت کننده ما هیت این رژیم است که در همه جا سعی در نابودی دستاوردهای انقلاب میکند. لذا تبلیغ مواضع انقلاب در کردستان و انشاء عملکردها در ارتجاعی با نتایج کم میتوان ندیکی از موضوعات اصلی انشاء گری سیاسی باشد. علاوه بر این سراه انداختن مبارزه سیاسی کارگران، دهقانان، دانشجویان و معملین، ارتشیان و غیره برای دفاع

از انقلاب در کردستان و انشاء سیاستها و عملکردها دولت میتوانند در رده مبارزه خلق کرد بسیار موثر باشند. جمع آوری کمک های مالی، داروئی و تکنیکی جهت مبارزه در کردستان نیز میتوانند قدم موثری باشکند که گروهها و افراد متعددی میتوانند به آن وسیله به پیشبرد جنبش کمک نمایند.

کارگر، دهقان، دانشجو و محصل، ارتشی و کمپه و بازاری و بالاخره روحانی مبارز و مترقی: دارودسته حاکم، علیرغم تمام ادعاها، تهاجم و تحشیانه ای را علیه خلق کرد سا زمان داد، تهاجمی که قصد هدمش تا نبود نمودن دستاوردهای انقلاب بود. انقلابی که همه خلقهای ایران در آن شرکت داشته و با دادن بیش از نصیبت هزار شهید جهت بشمر مرزها نیدنش کتیدند کارگران، دهقانان، دانشجویان و خلاصه همه توده های مردم ایران باید آگاه باشند و بداند که با استقرار و تسلط ارتش و پاسداران دوباره همه جا عناصریست و خود فروشی از قبیل مفتی زاده ها! رند سرکار میا یبند عنا صرا انقلابی و مردمی کنار میروند تا مردمان، عناصر و اکی و بشکوک و خاشا و سرمایه داران مرتجع بسر کار می آیند. میخواهند کاری کنند که تاریخ به عقب برگردد. شورا های توده ای شهرها بوردگردد، شورا های دهات و اتحادیه های دهقانی که ساز منافخ دهقانان ستندیده در مقابل خانهای مرتجع دفاع میشوندند تا بود، میخواهند کاری کنند که زحمت و کوشش فراوان بدست دهقانان افتاده دوباره به خاشا باز گرداننده شود، میخواهند کاری کنند که عنا صرا انقلابی و مردمی دستگیر، حبس یا اعدام شده و بجای آنان عناصر خود فروش و فاسد جا نشین آنان شوند، میخواهند دوباره زاندا رمری و شهیانی را علیرغم خواست مردم ده و شهر بر سر کتند و بوسیله این تشکیلاتهای فسد خلقی دست و پای خلق قهرمان را بیزنجیر کنند، میخواهند با اعمال زور و فشار خلق را مرعوب کنند و با توسل به دروغ ها، تنگ آوری کنند که مردم دست از بیثباتی از رهبر مذهبی خویش آیت الله شیخ عزالدین حسینی بردارد، شخصیتی که بخاطر دفاع مدام اش از منافع زحمتکشان و آزادی طلبی اش به حق مورد احترام و ستایش تمام خلق کرد و تمام نیروهای حق طلب و آزادی خواه ما مع بوده و هست. اما خلق کرد دست از مبارزه بر نخواهد داشت و برای جلوگیری از رجعت تاریخ و نابودی دستاوردهای انقلاب مصمم است که دست از مبارزه بر ندارد و این مبارزه را که بر او تعمس

افغانستان... و بیروزی کودتای سوسال - فائیم مزدور افغانی، که نقاب سوسیالیسم و انقلابی گری بر چهره کرده و زده، و همچنین در باره ماهیت انقلابی و سر حق نبرد مسلحانه دموکراتیک و ملی مردم افغانستان قتل در تخریب خود ("حقیقت" - شماره ۳۲) نوشته - ایم و در اینجا بیاری به تک ارنیست اثاره این گروه ها به وجود آمده ای محافل ارتجاعی و با سازمان هایسی که تمایس های با بیگانگان و حتی رژیم های ارتجاعی یا کستان و سا آمریکا دارند، نمیتوانند توجیهی برای مواضع ضدا انقلابی و جاهلانسه این گروه ها باشد. گروه ها و محافل ملی که به سببانه وجود جریانات وابسته و ارتجاعی در نهضت مردم افغانستان از حمایت از نهضت مردم خودداری میورند باید بدانند که مبارزه برای طسرد عنا صروجریانات وابسته و ارتجاعی تنها و تنها بزیستردفاع از مبارزه به حق مردم افغانستان بر علیه رژیم وابسته به سکوانجا متمدنی است و آنکی که چنین نکنند نهضتی را فدای تنگ نظری خویش ساخته است. جنبش و قیام حق جویانه یک ملت با وجود این چیزها در میان آن و با حرکت های سودجویانه دولتها و قدرتها ی بزرگ، که بدستال زقا ست های ارتجاعی خود هستند، حقا بیعت خود را دست میدهد و این مسائل خصوصی برای بسیاری



## در تکثیر و پخش حقیقت ما را یاری دهید

**بزودی منتشر میشود**  
**پاسخی به نبرد خلق "شوروی سوسیالیستی"**  
**حربه ای علیه سوسیالیسم**  
**و**  
**دموکراسی ناقص دفتر چهارم**

شده تا بیروزی نیازی ادا نمدهد. مبارزه خلق، جزء جدائی نا پذیر مبارزه همه خلقهای ایران است. ما معتقدیم که ارتجاع قصد دارد بی از کردستان بیگ بیورش ضدا انقلابی سرتا سری متوسل شود. ما مصممیم که ارتجاع را در کردستان مشغول نگاهداریم و نگذاریم که فسد انقلاب در این منطقه اهداش فسد انقلابی اش تا بیل گردد. و در این راه تنها به نیروی همه جتهای ایران اتکا میکنیم.

- پیروزی دمبارزات خلق کرد علیه تهاجمات فسد انقلابی مشروع طلبان!
- زنده و جا ویدایا دشیدان به خون خفته خلق کرد!
- مستحکم تر با دستا مبارزه جویانه همه خلقهای ایران

# حقیقت

# دولت دنبال کدام خرابکارهاست



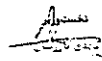
وزارت فرهنگ جمهوری اسلامی ایران  
مختصه ادب

بخشنامه

بهرارخانهها و بیست و هفتاد سال

فکر اینکه بعضی از کورستان دولت بجز رزم آسبی با ملت و انقلاب اسلامی را بخشد دولت جنبش ملی را تزلزل و گنگان میرساند و احیانا "مرکز اجتهاد و استفتای دعا" بخشد و خرابکاری میگرداند و در راه اول مراتب شکر بگردد و تاها بدین شام و نسلان خاکشان را خرابکاران را بکار و تحت تعقیب قرار دهند.

مستور فرزند این بخشنامه به دستگامهای نامه مرکز و شهرستانها اطلاع و نتیجه آن اعلام گردد.



حقیقت را داشته باشند و نخواهد بود دولت در خیانت به انقلاب شراکت و هماهنگی کند، "تعصیه" شود و آخسار حاکی از آنست که دنبال این بخشنامه در وزارت فرهنگ و سایر ادارات دیگر لیستهای بلندبالایی از عناصر رزمنا رجم شده و میخواهند اخراجشان نمایند. بزرگترین خرابکار همین گروه مشروطه جسی و دولت دنبال روی آن است که در راه انقلاب خرابکاری میکنند و دولت بازرگان نیز با صدور چنین بخشنامههایی نمیتواند تکداری از پیش برود و حقیقت برده بوشاند.

های سیاسی در کشور ما، که عدهای از ایشان خود را مارکسیست - لنینیست و صداهای لیبرال لیست بیگمهرم بحساب میاورند، آنگاه با نا آنگاه ولی بهر حال عملا با جوانان و مردم دربار و جنبش مسلحانه مردم افغانستان بکوشند و حتی گاه این جنبش را بمعاون بک، حرکت ارتجاعی وابسته به بیگانه، نفوذالی و غیره محکوم میکنند. برخی از ایشان دهان در دهان سز دوران خاشن حزب توده گذارده حتی رژیم سرسپرده و فاسق نیستی کابل را یک رژیم مترقی خوانده و کودتای دارودسته دربار نشین و خاشن ترهکی - امین در افغانستان بعنوان یک کودتای مترقی و حتی یک انقلاب با دمیکند. راستی که ترم بزرگی است سرای ایشان! و در صورت امر در حفظ این مواضع خالانه و صدانقلابی خود تنها نفرین ملت افغانستان را متوجه خود خواهند ساخت و بعلاوه در کشور ما سز سرانجام به مواضع ارتجاعی در غلبنده مطرود خواهند گشت. ما در راه ماست رژیم کابل و حکومتی تکوین بشده در سنجند.

کنار روح و تحت تعقیب قرار گیرند. این حکم از جانب دولتی که به استمرار خودشان نیست همه عنا صرا را یکی را در اختیار دارد و سخیسی میداند که در هر اداره ای چه کسانی با رژیم گذشته همکاری نزدیک داشته و با سزا و اک همدستی می نموده اند نمیتوانند سوال انگیز و تعجب آور نباشد. آقای بازرگان دنبال کدام "خرابکار"ها میگردد و این دستور را مل حال چه کسانی میشود؟ اگر منظور و باستان به رژیم گذشته و سا واک می باشند، دیگر نیازی به این دستور نیست و ایشان میتوانند سری به آن لیست با یگانی شده شان بزنند و آیا می همه را در آورده و اخراج و محاکمه و محاکماتشان نمایند و کارهای را که مدتهاست از زبیرش در میروند انجام دهند. اما حقیقت اینست که مخاطب این بخشنامه، نه عنا صرا واک و وابسته به رژیم گذشته، بلکه کسانیست که بسا "مشی دولت جمهوری اسلامی"، "هماد هنگی" ندارند، یعنی هر کس که بسا سیاست و کار را این دولت مخالف باشد خرابکار به حساب آمده و تحت تعقیب قرار میگیرد. بموجب این بخشنامه صدانقلابی، یک تعقیب عفا بدتنام و کمال در ادارات دولتی با سز در راه بیافند و کارمندان و کارکنان آن با زحوشی شوند و هر کس که جارت گفتن

افغانستان ...  
بزرگ اینان رژیم مزدور کابل که سرسپرده به "بریا لیسم" گسدا روس است یک رژیم کمونیستی و مارکسیستی است و اینکه گویا مردم افغانستان بر علیه کمونیستها تک که تمام کرده اند. در حالیکه این دروغ بزرگسی بیست و وا کردار و روسته مزدور کاکم در کابل هوادار کمونیسم است بیست حتما دستگاه معا و به ویزید هم اسلامی و هوادار همان اصولی بوده که شما خود را با بسند آنها و نمود میسازید. او - تعبت اینست که کمونیستها افغانستان همدوش خلق خود در اغلب سگرهای سرد مسلحانه علیه رژیم میزدور کابل حی و حاضرید و لیبرال سسسه با امیرالیسم غدا روس و بوکرس می نرسند و جریکهای دلبر اعمالستان سزلات انتظار سز حسی نا رهزانشان دشمنان واقعی خود را یک میسازند.  
در اینجا اشاره ای به مواضع برخی جریبهای سیاسی در کشور ما، که خود را انقلابی بیگمهرم بحساب میاورند، هم لازم است. برخی از گروه -

حندی پیش آقای بازرگان طی بخشنامه ای از کلیه وزارتخانه ها و موسسات مستقل دولتی خواست بسا چنانچه کسانی "بجای هماهنگی بسا مشی دولت جمهوری اسلامی"، "احیانا" "مرکب" "انحراف" و "انتقادهای ضد انقلابی و خرابکاری" میگردند، بر چیره گشت و بسا ط آزادی و مشروطه بر چیده شد. در اینجا بود که انجمن ایالتی تبریز نقش و اهمیت تاریخی خود را نشان داد و از کارهای پیشین خود بهره گرفت. تبریز علیه کودتا - گران قیام کرد و بزرگ و بزرگ و بزرگ با تکیه بر نیروهای مسلح خلق (مجاهدان) به گانوش خورش سرابری کشور علیه دارودسته کودتای و حاکمان سزگانه آن تبدیل گشت و تا فتح تهران بنست نیروهای هوادار مشروطه رهبری انقلاب را موفقتا به دست گرفت.  
این انجمن ها تا سال ۱۳۲۰، که ما برای اشغال آذربایجان و تبریز توسط قشون تجا و زکا روس و کودتای خاگانه ما را الملک در تهران پیش آمد، همچنان برقرار بودند. از آن پس با شکست انقلاب مشروطه، این انجمنها نیز سرچیده شدند و هرگز دیگر تشکیل ندادند.  
اکنون با آغاز دومین انقلاب ایران و سرنگونی استبداد مطلقه بهلولی با ردیگر مردم ما دز راه تشکیل انجمنهای شهرستانی و استانی و هم چنین انجمنهای انقلابی دهقانی گام بر میدارند. بدینسان سنت بزرگ انقلاب مشروطه استیلا در سطحی عالیتر و با آگاهی بیشتری در انقلاب جمهوری ایران زنده میشود. اکنون لازم است با درس گیری از جوانب مشروطه و جنبشهای انجمنی انقلاب مشروطه سیزده انجمن تبریز را ردیگر بسا تشکیل این انجمنها رفت و تکیه گاه استواری برای حفظ و حراست از دست آوردهای انقلاب و تضمین تداوم آن بوجود آورد. این انجمنها سز نقض بزرگی را در سنج و آماده گردانیدن مردم در برابر استیلا ارتجاعی سز گران امیرالیسم و دارودسته قدرت طلب و صدانقلابی علیه انقلاب است تمام ما ایفاء توانند کرد. این انجمنها با تکیه بر نیروی عظیم مردم نقش بسا برای رادردگریزی جامعه سز ملت ما و در سازای و توانای آن توانند ایفاء کرد. این انجمنها نیز مانند اسلاف خود تنها با تکیه بر نیروهای مسلح خلقی و تشکیل دسته های مجاهد سز رهبری خود را در دست کارها بسوده و نهایت اجرایی خواهند داشت.

نقش شورا ...  
داشتند، در جای خود محکم گشت و کمیت خود را در شهر اعمال کردند.  
سزودی انجمن ملی تبریز به الگوئی برای مردم شهرهای دیگر تبدیل شده و در آن شهرها نیز انجمنهایی از بسا بسندگان اهالی تشکیل شد. لیکن این انجمنها اغلب بعفت ضعف جنش آزادخواهی در آن شهرها بسار سست و کم ما به بسود و بعفت رسوخ عناصر ارتجاع در آنها کمتر توانستند نقش مفیدی ایفاء کنند.  
پس از تشکیل مجلس سز اول مشروطه، تدوین قانون اساسی اولین کار نمایندگان این مجلس بود. لیکن چون کار این قانون با بیان یافت و مفاد آن بر مردم شهرهای مختلف آشکار گشت، آزادخواهان بدیندکه بسا از خواستهای دموکراتیک دست ورده های تا آن زمان انقلاب مشروطه در قانون اساسی تصویب شده مجلس سز - تا بی نیافته است. در اینجا تبریز که بیشتر و شهرهای دیگر بسا بسود و بسار وزیر رهبری انجمن ملی تبریز حتی در این شهر سز افتاد. مردم تبریز خواهان اصلاح قانون اساسی شدند، که از جمله یکی از این اطلاعات همین قید و بندی در سز تشکیل انجمنهای شهری، استانی، (ولایتی و ایالتی) در قانون اساسی و تعیین ضوابط و اختیارات آن بود. تدوین و تصویب متمم قانون اساسی، که از خود آن قانون اساسی دارای اهمیت تاریخی بیشتری است، نتیجه این جنبش بود. بر تمام قانون اساسی، سندی هم در سز سز انجمنهای ایالتی و ولایتی، که برای آن زمان پیشرفته بود، وارد شد و بس از آن در همه جا انتخابات رسمی این انجمنها آغاز گشت. انجمنها طبق قانون دارای اختیارات معینی در اداره امور نظارت بر دولست و دستگاههای آن بوده و بخشی از مالیات استان و شهرستان سز در اختیار آنها بسا بدیقرار میگردند. انجمنها متحصنا انجمن ایالتی سز سز دارای سز ملی مسلح زیر رهبری خود بسودند. ادان منق نظامی و تشکیل دسته های مجاهد باری سز شدند.  
پس از کودتای خاشنا به محمد طغیانه، که با پشتیبانی روسیه تزاری و همدستی امیران روسی صورت گرفت استبداد مطلقه دوباره بر سر کشور

# حقیقت

# درباره رویدادهای افغانستان

اعلام داشته اند لیکن هم اکنون پس از مدتها از تحریر اینها در اینستاگرام استانی که بر اثر سیاست کشتار و سی حاکمان باری رژیم کابل به کشور ما بانه آورده اند، در خراسان و مشهد سی سرومان رها شده اند و دولت ایران اندامی در جهت تامین حداقل وسایل زندگی و معیشت برای ایشان نمیکنند. علاوه بر شیخ محافل حاکم در کشور ما، که نام آقای ابراهیم یزدی وزیر امور خارجه نیز در این میان برده شده، با حواصردانه به تفتیش عقاید در میان روشنفکران و مجاهدان بنا نهاده شده در خاک ایران بر دانه و حتی برخی عناصر تحت تعقیب آدم - کسان رژیم کابل را، که به کشورهای مهاجرت یافته اند، آورند، همبکه بوی عقاید جدیدی از آنها احساس کرده اند. در دم مرز کشته اند. این سیاست کشتار حواصردانه توسط برخی سازمانهای ارتشاعی و یاقشری مسلک افغان نیز که مدتی پیشی حشش مسلحانه مردم افغانستان هستند و ضامنای نیز در افغانستان هستند و ضامنای نیز در ایران برای سازمان خود کوشوده اند، تعقیب میشود. در این میان، جاسوسان رژیم کابل، سردار ایران و لیبی بوده و در تعقیب انقلابیون مذهبی و غیرمذهبی افغانستان، که به کشورهای ما آورده اند، هستند و در این راه از همدستی و همکاری نزدیک سردوران خاشی حرب توده نیز برخوردار هستند. تعدادی جاسوسان و همدستان حزب توده ای آنها ساکنی در اروپا - سوئی و عناصر انگلیسی و مترقی افغان - سنسای در کشورهای ما، و اقدامات حواصردانه برخی محافل دولتی و نسری مسلک در کشور ما علیه ما دارند - گان افعالی نهایتاً به آسپانیا - سویمان رژیم ناسیستی کابل و هم - دستان خائیشان در کشور ما میریزد و عرضه را بر سران حاکم کشتار و همبکه با تانک میکند.

گذشته از این، برخی گروه های متعصب و حاکم در کشور ما و موضوعات اجزای متروعه جی ما نسبت حزب جمهوری اسلامی که در سوی حمایت از رژیم - ضامنای مردم افغانستان را هم دارند، با حواصردانه به سردار دموکراتیک و صدا میرا لیبی ملت افغانستان را به عنوان سرد شریف و مذهب با الحاد و مارکسیسم نشان داد کرده و به ضامنای مدکمر سنی سیمی، که با طبع برخی محافل ارتشاعی و نسری ملت حاکم در افغانستان سیاسی می باشد دست میزنند.

نقشه در صفحه ۷

حشش مسلحانه مردم افغانستان - ستان علیه رژیم سر بریده و آدامکش کابل و امریالم قادرند روس سرور مناد به پیش سرور قلمبای ... بر از کودتای حاکمان همدستی افغان روسی صورت گرفت. اسد - اد مظلوم دوباره بر سر سرور کشور خیره گشت و تسلط آزادی و مشروطه بر جسد شد، در اینجا بود که انجمن ایالتی تبدیل به سرور کشور و اهمیت تاریخی غرب را نشان داد و از کارهای پیشین خود سرور گرفت. تیریز علییه کودتای کابل تمام کرد و بسزوی انجمن تیریز با تکیه بر نیروهای مسلح خلق (مجاهدان) به کانون شورش سراسری کشور علیه دارو شده کودتای حاکمی و حامیان بیگانه آن تبدیل گشت و تا فتح تهرآن بدست نیروهای دولت از مشروطه رهبران انقلاب را موفقتان بدست گرفت.

حشش در نقاط مختلف افغانستان همراه با سرده مسلحانه چریکهای دهقانی، توده های بیرونی و جنگجویان پیشی برست با پشتیبانی ناطه ملت افغانستان سرور را از سرور رژیم متزلزل کابل تنگ کرده است. چریکها از سرور سوئی کابل سرور می شود و مقدمات قیامهایی در کابل فراهم میگردد. علاوه بر تانکون چند مورد شورش نظامیان دریا دکان های ارتش رویداده و فوج فوج سربازان وافرکلی که حاضر به کشتار هموطنان خود و مزدورن برای بیگانه نیستند. شرافتندانه به نیروهای مسلح چریک میزنند و با بندهای هندگی به ایران یا پاکستان فرار میکنند. از اینرو امریالم بحار و کشتار روس برای نگهداری دست خائیدگان آدامکش خود بر اینکه قدرت تا جا رسیده است گروههای مزدور از روسیه به افغانستان گسیل داده برای نیوند هم اکنون ۸۰ در صد خائیدگان نیروی هوایی رژیم کابل روس هستند.

اخیرا دستور مستقیم سکوی عوض و بدلهاشی در مبره های سر بریده رژیم کودتای کابل صورت گرفت و از جمله برخی مزدورهای خود را که همدست و شریک حرم خود حفیظ اللند امین داد. این تیریز و تیریزات، که بنا به گزارش مطبوعات سکا نیمه کودتای مصری شایهت داشت، نهایتا حالت احضار روزها در رفتگی رژیم دیوسیرت کابل را افشا سازد و نسبت مسوولانهای برای محکم کاری در کادر رهبری حزب ناسیستی "خلق" - حزب حاکم - می باشد. علاوه بر سورخوام - بریانه احتراس جدیدا سدا حکم در کابل نسری بر مجموعی با همدستان سیاسی افعالی در کشورهای همسایه و زنده آرادیهای دموکراتیک، کوچک - ترین تزلزلی در اراده مردم دلیر افغانستان جهت سرنگونی رژیم کابل و خود سدا ورده و دستاورد. اینس ما سوره های خوا منبر سانه، که سدا و ما سوره های خوا منبر سانه مظلوم آمریکادرزبان اوج گیری انقلاب در ایران است، برای رژیم متزلزل کابل و شوروی سردردی را دوا نخواهد کرد و تها رهوار در رفتگی و سراسر سکی اس رژیم را بومهدد.

در اینجا اشاره ای به اقدامات برخی محافل حاکم در کشور ما در راه بنا همدستان افعالی سیاسی لازم است. دولت ایران و همچنین مراجع روحانیت با رها حاکم خود را از حشش مسلحانه مردم افغانستان

حشش مسلحانه مردم افغانستان - ستان علیه رژیم سر بریده و آدامکش کابل و امریالم قادرند روس سرور مناد به پیش سرور قلمبای ... بر از کودتای حاکمان همدستی افغان روسی صورت گرفت. اسد - اد مظلوم دوباره بر سر سرور کشور خیره گشت و تسلط آزادی و مشروطه بر جسد شد، در اینجا بود که انجمن ایالتی تبدیل به سرور کشور و اهمیت تاریخی غرب را نشان داد و از کارهای پیشین خود سرور گرفت. تیریز علییه کودتای کابل تمام کرد و بسزوی انجمن تیریز با تکیه بر نیروهای مسلح خلق (مجاهدان) به کانون شورش سراسری کشور علیه دارو شده کودتای حاکمی و حامیان بیگانه آن تبدیل گشت و تا فتح تهرآن بدست نیروهای دولت از مشروطه رهبران انقلاب را موفقتان بدست گرفت.

## نقش شورا در انقلاب مشروطه

انقلاب برگزیدند. از این پس، این عده نمایندگان در خانه ای شان روز جمع شده نشست زیرا میگردیدند امور انقلاب را اداره میکردند. به دستان نخستین انجمن نمایندگان مردم معروف به انجمن تیریز تشکیل شد. منتا نمایندگان اصناف تیریز نیز در محل همین انجمن کارهای خود را پیش میبردند. پس از آنکه فرمان انتخابات برای مجلس شورای ملی از تهران به تیریز رسید، انجمن اداره امور انتخابات را بر عهده گرفت و بر بنطارت انتخابات تیریز انجام گرفت. انجمن شریه ای هم همین نام را سوی خود میداد.

پس از پایان انتخابات مجلس شورای ملی، دشمنان آسوی و محافل اقتصاد دست نشاندگان در تیریز سرگردگی محمد علی میرزائی - عهد، به بنانه آکه دیگر کار انتخابات به پایان رسیده و مردم به نقشه رسیده اند، دستور کردند انجمن را باندان اعضای انجمن سرستی نشان داده برانگنده شدند. لیکن مجاهدان تیریز، که در آن زمان بگترین نیروهای انقلابی و از اسخوام بودند، باز به شورش سرحاسنه اعضای انجمن را دوباره سرحای خود آورده و آن اسرا به ادامه کار و ادارت شوق کردند. نمایان انجمن تیریز با پشتیبانی مجاهدان انقلابی تیریز، که نسروی مسلح انقلاب را در آن شهر تشکیل داده و در پیشه از رهبران و نشرهای بائین شهری می - نشه در صفحه ۷

تشکیل شورا با انجمنای دموکراتیک نمایندگان مردم در سطح شهرستان و استان از دستاوردهای انقلاب مشروطه ایران و در نتیجه یک سنت تاریخی ارجداریست نگاهش به تجربه کار این شوراها، که در آن زمان انجمن نامیده میشدند، ما را به اهمیت آنها به عنوان ابزار مهمی برای حراست آزادی و دموکراسی و مبارزه با استبداد دودسیه های مرتجعین و عمال بیگانه در آن زمان واقف میسازد. در زیر خلاصه ای از تاریخچه این انجمنها در زمان انقلاب مشروطه میآوریم:

از آغاز سال ۱۲۸۵ خورشیدی حشش مشروطه خواهی در کشور ما اوج گرفته و نخستین انقلاب ایران سنا شعارهای خدا میرا لیبی وضد استبدادی، که مرکز آن تشکیل محفل شورا ای از نمایندگان مردم را مخرج میساخت. آغاز گشت، روز ۱۳ مرداد ۱۲۸۵، مظفرالدین شاه ناچار گشت فرمان مشروطیت را صادر و تشکیل مجلس شورای ملی موافقت کند. این نخستین پیروزی برای مردم بود. تا این زمان هنوز حشش انقلابی گمانه بین تهران محدود شده بود و اطلاع قاطعا از ازاباحار و پیروزی مردم در شهرهای دیگر گشت حکومت. نسکی چندی نگشت که حشش آزادی خواهی در تیریز گرفت و از آنجمله یکسره شهرهای دیگر نیز سرایت کرد. آزادیخواهان تیریز با وصول خبر پیروزی مردم تهران دست از محاهدت کشنده از میان سران آزادی و پیشروان حشش عده ای را برای رهبری مردم و جنبشهای پیروان